

حال پر میرکاران

ہنگام قبض روح

تہیہ و تنظیم:

سید مسلم تفتدار

مدرسه امیریہ

بزیڑہ قشتم - گیاهدان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# حال پرهیزکاران هنگام قبض روح

تهیه و تنظیم:  
سید مسلم تفتدار

مدرسه امیریه  
بزیره قشم - گیاهدان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّنَا  
مُحَمَّدٍ أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ عَلَى آلِهِ وَ صَحْبِهِ  
أَجْمَعِينَ.

عَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ، قَالَ: خَرَجْنَا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ  
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فِي جِنَازَةِ رَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ، فَأَنْتَهَيْنَا إِلَى الْقَبْرِ،  
وَلَمَّا يُلْحَدُ،

براء بن عازب رضی الله عنه می گوید: ما همراه رسول الله  
صلی الله علیه وسلم برای تشییع جنازه‌ی مردی از انصار خارج  
شدیم تا اینکه به قبر رسیدیم که هنوز الحد آماده نشده بود.  
فَجَلَسَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَجَلَسْنَا حَوْلَهُ،  
كَأَنَّ عَلَى رُءُوسِنَا الطَّيْرَ، وَفِي يَدِهِ عَوْدٌ يَنْكُثُ فِي الْأَرْضِ،  
فَرَفَعَ رَأْسَهُ، فَقَالَ:

رسول الله صلى الله عليه وسلم نشستند و ما گرداگرد ایشان نشستیم گویا بر سر ما پرندگان قرار گرفته بودند (کنایه از نهایت احترام و ادب اصحاب، نسبت به رسول الله صلى الله عليه وسلم است). در دست مبارک ایشان چوبی قرار داشت که به زمین می‌زدند. پس سر مبارک خویش را بالا آوردند و فرمودند:

" اسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ مَرَّتَيْنِ، أَوْ ثَلَاثًا، "، ثُمَّ قَالَ: " إِنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ إِذَا كَانَ فِي انْقِطَاعِ مِنَ الدُّنْيَا وَإِقْبَالِ مِنَ الْآخِرَةِ،

از عذاب قبر به الله عزوجل پناه ببرید. دو بار یا سه بار فرمودند.

سپس فرمودند: هرگاه بنده‌ی مؤمنی، زمان جدایی‌اش از دنیا و روی آوردنش به آخرت فرارسید...

نَزَلَ إِلَيْهِ مَلَائِكَةٌ مِنَ السَّمَاءِ يَبِضُّ الوُجُوهُ، كَأَنَّ  
وُجُوهُهُمْ الشَّمْسُ، مَعَهُمْ كَفَنٌ مِنْ أَكْفَانِ الْجَنَّةِ، وَحَنُوطٌ مِنْ  
حَنُوطِ الْجَنَّةِ، حَتَّى يَجْلِسُوا مِنْهُ مَدَّ البَصْرِ،

فرشتگانی از آسمان بسویش فرود می آیند که چهره های  
درخشانی همچون خورشید دارند. همراه ایشان، کفنی از  
کفن های بهشت و عطوراتی از عطورات بهشت است. تا  
اینکه این فرشتگان زیباروی نزدیک به او به اندازه ی یک  
چشم انداز می نشینند.

ثُمَّ يَجِيءُ مَلِكُ الْمَوْتِ، عَلَيْهِ السَّلَامُ، حَتَّى يَجْلِسَ عِنْدَ  
رَأْسِهِ، فَيَقُولُ: أَيَّتَهَا النَّفْسُ الطَّيِّبَةُ، أَخْرَجِي إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ  
اللَّهِ وَرِضْوَانٍ."

سپس ملک الموت علیه السلام می آید تا اینکه نزد سرش  
می نشیند و می گوید: ای روح پاک، بسوی مغفرت و  
خشنودی الله عزوجل خارج شو.

قَالَ: " فَتَخْرُجُ تَسِيلُ كَمَا تَسِيلُ الْقَطْرَةُ مِنْ فِي السَّقَاءِ،  
فَيَأْخُذُهَا، فَإِذَا أَخَذَهَا لَمْ يَدْعُوهَا فِي يَدِهِ طَرْفَةَ عَيْنٍ حَتَّى  
يَأْخُذُوهَا، فَيَجْعَلُوهَا فِي ذَلِكَ الْكَفَنِ، وَفِي ذَلِكَ الْحَنُوطِ،  
وَيَخْرُجُ مِنْهَا كَأَطْيَبِ نَفْحَةٍ مِسْكِ وُجِدَتْ عَلَى وَجْهِ  
الْأَرْضِ".

آن روح، روان می‌شود همان‌گونه که قطره‌ی آب از دهانه‌ی مشک، روان می‌شود پس ملک‌الموت آن را می‌گیرد. هنگامی که آن را گرفت؛ فرشتگان زیبارویی که حضور آورده‌اند هرگز آن روح پاک را در دستان ملک‌الموت حتی به اندازه‌ی یک چشم به هم‌زدن رها نمی‌سازند تا اینکه آن را می‌گیرند پس آن روح پاک را در آن کفن و عطورات بهشتی قرار می‌دهند و از آن بوی خوشی خارج می‌گردد همانند خوش‌بوترین بوی مسکی که بر روی زمین یافت می‌شود.



قَالَ: "فَيَصْعَدُونَ بِهَا، فَلَا يَمُرُّونَ، يَعْنِي بِهَا، عَلَى مَلَأٍ مِنَ  
الْمَلَائِكَةِ، إِلَّا قَالُوا: مَا هَذَا الرُّوحَ الطَّيِّبُ؟ فَيَقُولُونَ: فُلَانُ  
بُنُ فُلَانٍ، بِأَحْسَنِ أَسْمَائِهِ الَّتِي كَانُوا يُسَمُّونَهُ بِهَا فِي الدُّنْيَا،

آن روح پاک را به آسمان بالا می‌برند. پس بر گروهی از  
فرشتگان گذر نمی‌کنند مگر اینکه می‌گویند: این روح پاک  
کیست؟ می‌گویند: فلانی فرزند فلانی است به بهترین نامی  
که در دنیا به آن نامگذاری شده بود.

حَتَّى يَنْتَهُوا بِهَا إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا، فَيَسْتَفْتِحُونَ لَهَا، فَيَفْتَحُ  
لَهُمْ فَيُشَيِّعُهُ مِنْ كُلِّ سَمَاءٍ مُقَرَّبُوهَا إِلَى السَّمَاءِ الَّتِي تَلِيهَا،  
حَتَّى يُنْتَهَى بِهِ إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ،

تا اینکه او را به آسمان دنیا بالا می‌برند پس برای  
گشوده شدن در آسمان دنیا، برایش اجازه می‌گیرند. (به آنان  
اجازه داده می‌شود) و در آسمان برایشان گشوده می‌شود.  
بلافاصله مقربین و برگزیدگان هر آسمانی به استقبالش

می آیند تا آسمانی که در پی آن می آید. تا اینکه به آسمان هفتم برده می شود.

فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: اَكْتُبُوا كِتَابَ عَبْدِي فِي عِلِّيِّينَ،  
وَأَعِيدُوهُ إِلَى الْأَرْضِ، فَإِنِّي مِمَّنَّا خَلَقْتُهُمْ، وَفِيهَا أُعِيدُهُمْ،  
وَمِنْهَا أُخْرِجُهُمْ تَارَةً أُخْرَى. قَالَ: " فَتُعَادُ رُوحُهُ فِي جَسَدِهِ،

الله عزوجل می فرماید: نامه ی عمل بنده ام را در "عِلِّيِّينَ"  
بنویسید و او را به زمین بازگردانید. زیرا من، آنان را از زمین  
آفریدم و دوباره آنان را به زمین بازمی گردانم و بار دیگر  
(برای حسابرسی) آنان را از زمین خارج می کنم. پس روحش  
به جسدش بازگردانده می شود.

فَيَأْتِيهِ مَلَكَانِ، فَيُجْلِسَانِهِ، فَيَقُولَانِ لَهُ: مَنْ رَبُّكَ؟  
فَيَقُولُ: رَبِّيَ اللَّهُ، فَيَقُولَانِ لَهُ: مَا دِينُكَ؟ فَيَقُولُ: دِينِي  
الْإِسْلَامُ، فَيَقُولَانِ لَهُ: مَا هَذَا الرَّجُلُ الَّذِي بُعِثَ فِيكُمْ؟

فَيَقُولُ: هُوَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَيَقُولَانِ لَهُ: وَمَا  
عِلْمُكَ؟ فَيَقُولُ: قَرَأْتُ كِتَابَ اللَّهِ، فَأَمَنْتُ بِهِ وَصَدَّقْتُ،

دو فرشته نزد او می‌آیند و او را می‌نشانند و به او  
می‌گویند: پروردگار تو کیست؟ می‌گوید: پروردگار من الله  
است. به او می‌گویند: دین تو چیست؟ می‌گوید: دین من  
اسلام است. به او می‌گویند: این مردی که به نزد شما  
مبعوث شده؛ کیست؟ می‌گوید: او رسول خدا صلی‌الله‌علیه  
وسلم است. به او می‌گویند: چگونه دانستی؟ می‌گوید: قرآن،  
کتاب الله را قرائت کردم پس به او ایمان آوردم و تصدیقش  
کردم.

فَيُنَادِي مُنَادٍ فِي السَّمَاءِ: أَنْ صَدَقَ عَبْدِي، فَأَفْرِشُوهُ مِنَ  
الْجَنَّةِ، وَالْبِسُوهُ مِنَ الْجَنَّةِ، وَافْتَحُوا لَهُ بَابًا إِلَى الْجَنَّةِ. قَالَ: "  
فَيَأْتِيهِ مِنْ رُوحِهَا، وَطِيبِهَا، وَيُفْسَحُ لَهُ فِي قَبْرِهِ مَدَّ بَصَرِهِ."

ندا دهنده‌ای ندا می‌زند که بنده‌ام راست گفتم. فرشی از بهشت برایش بگسترانید و جامه‌ای از بهشت وی را بپوشانید و دری بسوی بهشت، برایش بگشایید. پس مقداری از نسیم بهشت و بوی خوش آن به طرفش می‌آید و تا چشم کار می‌کند برایش در قبرش گشوده می‌شود.

قَالَ: " وَيَأْتِيهِ رَجُلٌ حَسَنُ الْوَجْهِ، حَسَنُ الْقِيَابِ، طَيِّبُ الرِّيحِ، فَيَقُولُ: أَبَشِّرُ بِالَّذِي يَسُرُّكَ، هَذَا يَوْمَكَ الَّذِي كُنْتَ تُوعَدُ، فَيَقُولُ لَهُ: مَنْ أَنْتَ؟ فَوَجَّهَكَ الْوَجْهَ يَجِيءُ بِالْخَيْرِ، فَيَقُولُ: أَنَا عَمَلُكَ الصَّالِحِ،

و شخصی زیباروی با جامه‌ی نیکو و عطراگین نزد او می‌آید و می‌گوید: بشارت باد تو را به چیزی که شاد و خوشحالت می‌کند. روح پاک به او می‌گوید: تو کیستی؟ چهره‌ات چهره‌ای است که به خیر می‌آید. می‌گوید: من اعمال شایسته‌ات هستم.

فَيَقُولُ: رَبِّ أَقِمِ السَّاعَةَ حَتَّىٰ أَرْجِعَ إِلَىٰ أَهْلِي، وَمَالِي!<sup>۱</sup>

پس می‌گوید: پروردگارا! قیامت را برپا کن تا اینکه (به بهشت داخل شوم و) بسوی اهل و دارایی‌ام بازگردم.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «نَسَمَةُ الْمُؤْمِنِ طَائِرٌ يَعْلُقُ فِي شَجَرِ الْجَنَّةِ حَتَّىٰ يَرُدَّهَا اللَّهُ إِلَىٰ جَسَدِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»<sup>۲</sup>

روح مؤمن پرنده‌ای است که به درختان بهشت معلق می‌شود تا اینکه الله عزوجل در روز قیامت آن را دوباره به جسمش بازگرداند.

عَنْ مَسْرُوقٍ، قَالَ: سَأَلْنَا عَبْدَ اللَّهِ عَنِ هَذِهِ الْآيَةِ: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾<sup>۳</sup>. قَالَ: أَمَا إِنَّا قَدْ سَأَلْنَا عَنْ ذَلِكَ، فَقَالَ:

۱ . إسناده صحيح، مسند أحمد ۱۸۵۳۴

۲ . صحيح، ابن حبان ۴۵۶۷، نسائي ۲۰۷۳

۳ . سورة آل عمران، آیه ۱۶۹

مسروق گفت: ما از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه از این آیه پرسیدیم: ﴿کسانی که در راه خدا کشته شدند؛ آنان را مرده مپندار. بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان رزق و روزی داده می‌شوند﴾. ابن مسعود رضی الله عنه گفت: همانا ما نیز در مورد این آیه از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسیدیم. پس فرمود:

«أَرْوَاحُهُمْ فِي جَوْفِ طَيْرٍ خَضِرٍ، لَهَا قَنَادِيلُ مُعَلَّقَةٌ بِالْعَرْشِ، تَسْرُحُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ شَاءَتْ، ثُمَّ تَأْوِي إِلَى تِلْكَ الْقَنَادِيلِ،

ارواح شهیدان، درون پرندگان سبز رنگی قرار دارند که برای آن‌ها قندیل‌هایی است که به عرش معلق‌اند. هر جایی که بخواهند در بهشت گشت و گذار می‌کنند سپس به آن قندیل‌ها بازمی‌گردند.

فَاطَّلَعَ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ اِطَّلَاعَةً، فَقَالَ: " هَلْ تَشْتَهُونَ شَيْئًا؟ قَالُوا:  
 أَيُّ شَيْءٍ دَشْتَهِي وَنَحْنُ نَسْرَحُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ شِئْنَا، فَفَعَلَ ذَلِكَ  
 بِهِمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ،

پس الله عزوجل به آنان تجلی می‌کند و می‌فرماید: آیا  
 اشتهای چیزی دارید؟ می‌گویند: چه چیزی را اشتها کنیم در  
 حالی که هر جایی که بخواهیم در بهشت گشت و گذار  
 می‌کنیم. الله عزوجل این سوال را سه بار می‌پرسد و آنان  
 نیز همان جواب می‌دهند.

فَلَمَّا رَأَوْا أَنَّهُمْ لَنْ يُتْرَكُوا مِنْ أَنْ يُسْأَلُوا، قَالُوا: يَا رَبِّ، تُرِيدُ  
 أَنْ تَرُدَّ أَرْوَاحَنَا فِي أَجْسَادِنَا حَتَّى نُقْتَلَ فِي سَبِيلِكَ مَرَّةً أُخْرَى،  
 فَلَمَّا رَأَى أَنْ لَيْسَ لَهُمْ حَاجَةٌ تُرَكُّوا!<sup>۱</sup>

وقتی می‌بینند که از سوال شدن رها کرده نمی‌شوند؛  
 می‌گویند: پروردگارا! ما می‌خواهیم که ارواح ما را در اجساد

۱ . مسلم ۱۸۸۷

ما بازگردانی تا این که بار دیگر در راه تو کشته شویم. وقتی  
الله عزوجل دید که آنان حاجتی ندارند؛ رها کرده می شوند.

وَصَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ  
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.